



تربیت یافته کسانی هستند که چه بسا فراموش شده‌اند. چنانچه کسی بخواهد درباره میزان کارایی و دانش هزاران و شاید میلیونها انسانی که در گذشته جوامع مختلف وظیفه آموزش و تربیت را برعهده داشته‌اند، تحقیقی انجام دهد و جایگاه هر یک را در سلسله مراتب دانش و علم بنمایاند، شاید توفیقی نیابد.

ارزیابی هر کاری نیاز به ابزار سنجش دارد. ارزیابی و سنجش علم افراد دانش‌آموخته نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ابزار چیست؟ آنچه از دوران گذشته به جا مانده است، چنین می‌نمایاند که معیارهای سنجش در گذشته بیشتر کیفی بوده‌اند. از سوی دیگر سنجش درباره همه افراد اعمال نمی‌شده است و تنها افراد شناخته‌شده از این امکان سود جست‌اند. بعلاوه، نهادی نبوده است تا چنین عملکردی را بر دوش بگیرد و این خود فرد بود که توانایی خود را به نمایش می‌گذاشت و گواهی دریافت می‌داشت.

به مرور زمان، دو تحول عمده در زمینه سنجش توانایی‌های علمی افراد پدید آمده‌اند: نخست این که مؤسسات آموزشی وظیفه اعطای مدرک را به عهده گرفتند و دوم این که شاخصهای دقیقی برای ارزیابی به کار گرفته شد. ارزیابی و سنجش میزان معلومات و اندوخته‌های افراد تحت آموزش، گواهینامه یا مدرک تحصیلی برای آنها صادر می‌شود.

ارزش مدارک تحصیلی از زوایای مختلف قابل بررسی است: مقطع تحصیلی، مراکز اعطاکننده، رشته، درجه و... مدارک تحصیلی، در واقع، حضور طالب علم در مراکز آموزشی و آموختن دانش در یک مقطع یا مقاطع مختلف را نشان می‌دهد. همچنین، توانایی و تخصص دارنده مدرک را در قلمرو خاصی از زندگی به نمایش می‌گذارد. در کنار این امتیازات، این فرصت را برای بخشهای مختلف جامعه فراهم می‌سازد تا نیروهای مورد نیاز خود را با سرعت شناسایی و به کار گیرند. بعلاوه، رواج مدرک تأثیر زیادی بر استقبال از آموزش دارد. بنابراین، وجود مدرک در فرایند آموزش در عرصه‌های مختلف اثر می‌گذارد.

۱. آموزش

روی آوری گسترده و همگانی مردم به آموزش و حضور میلیونها دانش‌آموز و دانشجو در مراکز آموزشی از ویژگیهای قرن اخیر است. این سخن به آن معنا نیست که توجه به علم و دانش، منحصر به انسانهای امروزی باشد؛ زیرا علم از مقوله‌هایی است که در دوره‌های مختلف تاریخی حرمت گذاشته شده است و حاملان آن، جایگاه نسبتاً مطلوبی در میان هموعان خود داشته‌اند. از امر آموزش و انتقال دانش که بگذریم، هر چه بیشتر به گذشته بازگردیم از نقش علم در

بحث از ضرورت اعطای مدرک یا بررسی نقش آن در روند آموزش جدید از مباحث کهن می‌باشد اما در آن دسته از نهادهای آموزشی که مدرک و گواهینامه به معنای متعارف آن در میان نیست، وجود چنین مباحثی جدید و نو است. البته در نهادهای آموزشی مدرن، مباحثی از تحول و تقویت و اعتباردهی بیشتر مدارک همچنان در میان است. صرف نظر از دیرینگی یا نوین بودن بحث، اهمیت مدرک در روند آموزش غیرقابل انکار است. اصولاً، همگان دوست دارند در برابر کارها و زحمات متقبل شده مورد ارج و احترام قرار گیرند. البته، ارج شناسی و حرمتگذاری در قلمرو رفتاری موجود متفکر و صاحب خرد یعنی انسان مورد مطالبه قرار می‌گیرد. علم و دانش آموزی در تاریخ بشری عمری دیرینه دارد. زمانی که جوامع بشری خیلی سازمان یافته نبودند و تقسیم کار هنوز رواج نیافته بود، معیارهای ارزشیابی دانش اندوختگان و صاحبان هنر و فن به شکل کنونی نبود. در عین حال در هر زمان، در خور اوضاع جامعه و فرهنگ موجود به عالمان حرمت نهاده می‌شد و جامعه هنگام نیاز از دانش آنها بهره می‌گرفت. در تاریخ بشری افراد زیادی به عنوان دانشمندان و متخصصان ظهور کرده‌اند.

اما مدارک موجود عمدتاً بر جستگان و آثانی را که در هر زمان در قله هرم دانش قرار داشته‌اند، معرفی می‌کنند و نسلهای بعد را وامدار آنها می‌خوانند. درست است که برجستگان هر رشته و عرصه‌ای تأثیرات شگرف برجستجوگران آن رشته می‌گذارند، اما برجستگان خود

● به مرور زمان، دو تحول عمده در زمینه سنجش

توانایی‌های علمی افراد پدید آمده‌اند: نخست این

که موسسات آموزشی وظیفه اعطای مدرک را

به عهده گرفتند و دوم این که شاخصهای دقیقی برای

ارزیابی به کار گرفته شد.

ارزیابی و سنجش میزان معلومات و اندوخته‌های

افراد تحت آموزش، گواهینامه یا مدرک تحصیلی

برای آنها صادر می‌شود.

با گره خوردن علم و زندگی، نقش مدرک در روند آموزش بیشتر نمایان می‌شود. در جوامعی که سیستم مدرک دهی پذیرفته شده باشد، مراکزی که چنین عملی را نادیده بگیرد، در واقع، در فرایند روی‌آوری افراد به علم مانع ایجاد شده‌است. زمانی طولانی است که مدرک به عنوان سمبل احترام به تلاش و زحمات دانش‌آموختگان و معرف توانایی آنها شناخته شده است. با این حال، خودداری از اعطای مدرک انگیزه افراد را سرکوب می‌کند؛ زیرا در چنین مراکزی علمی آموخته می‌شود که از مداخله در زندگی دارنده آن ناتوان است. البته این ناتوانی از علم نیست بلکه عقیم‌سازی علم است. مدرک تحصیلی که مبین درجه علمی، تخصص و توانایی افراد دارنده آن می‌باشد، در کنار روی‌آوری افراد به سوی دانش‌اندوختی، تقویت و تخصصی شدن علم را نیز در پی دارد.

نبود سیستم فراغت از تحصیل، معمولاً به یکنواختی و تکرار رشته‌ای در نظام آموزشی منجر می‌شود. این وضعیت با نیازهای جامعه سازگاری نخواهد داشت؛ زیرا جامعه مطالبات و نیازهای متعدد و فراوان دارد که پاسخگویی به آنها تخصصهای گوناگون را می‌طلبد. اعطای مدرک تحصیلی در رشته واحدی همانند عدم وجود مدرک در نظام آموزشی، نقش منفی بازی می‌کند.

افزایش عرضه نیروهای فارغ‌التحصیل بدون افزایش تقاضا به آموزش لطمه می‌زند. عدم دسته‌بندی یا ایجاد رشته‌های مختلف میزان تقاضا را کاهش می‌دهد؛ چون عرضه‌های اشتغال و نیازها با اولین نیروهای فارغ‌التحصیل، اشباع می‌شوند و نیروهای پسین مجدداً در وضعیت ابهام‌آمیز قرار می‌گیرند.

بنابراین، به‌کارگیری مدرک تحصیلی و ترویج آن از دو جهت به‌شرف و ترویج علم کمک می‌کند: نخست، حجم افرادی را که داوطلب فراگیری دانش می‌شوند، افزایش می‌دهد و دوم این که با خلق رشته‌های مختلف به دانش عمق می‌بخشد و علم از حالت انتزاعی صرف خارج می‌شود و به سوی کاربردی حرکت می‌کند.

۲. آموزش یابنده

تا اندازه‌ای روشن شد که در عرضه آموزش، پرهیز از اعطای مدرک، پیامدهای منفی برای گسترش و ترویج علم دارد. همین متغیر (پرهیز از اعطای مدرک) از زوایای دیگر نیز قابل توجه می‌باشد. جامعه آموزشی که در آن دانش‌آموختگان نتوانند نتیجه تلاش و کوشش سالهای متمدای رادریک و لمس کنند، نوع نگاه آنان به خود و به علم نگاه تردیدآمیز و منفی خواهد بود؛ چنان که جامعه نیز آنان را به عنوان نیروهای غیرمفید تلقی خواهد کرد. چنین نگاهی چه از درون و چه از سوی جامعه، تأثیرات سو، اقتصادی و روانی

عرصه‌های مختلف زندگی بشر کاسته می‌شود. در زمانها و مکانهایی که علم منشأ درآمد نباشد، و عالم به حیث حامل علم در عرصه تحولات و دگرگونیهای جامعه حضورش کم‌رنگ باشد، روی‌آوری به دانش خالصانه و بدون چشم‌داشت و مطالبات خواهد بود. در عین حال، نباید فراموش کرد که در چنین وضعیتی میزان استقبال از علم اندک خواهد بود و تنها دارندگان مال و مکتب یا محرومان عاشق به سرای مدرسه پا می‌گذارند.

از آن جایی که علم و دانش ابزار مفید نیل به سعادت و نجات بشر از تاریکیها به شمار می‌آید، لزومی ندارد که به خاطر برخی برداشتهای نادرست از حضور آن در صحنه تحولات همه‌جانبه حیات بشری جلوگیری شود. دخالت هرچه بیشتر دانش در حیات بشری نیاز جدی به ترویج دانش و سازگاری آن با ضروریات زندگی دارد. ترویج علم راههای مختلف دارد و یکی از آنها، تعریف جایگاه افراد صاحب دانش در روابط اجتماعی و لایه‌های اجتماعی است. در گذشته‌ها نیز جایگاه افراد دانش‌آندوخته برتر از جایگاه افراد فاقد آن بوده است و تنها صاحبان قدرت می‌توانستند با تکیه بر قدرت، جایگاه حاملان علم را تحت الشعاع قرار دهند. اما در قرون اخیر در بیشتر کشورها با اعطای مدارک علمی به افراد فارغ‌التحصیل، موقعیت چنین افرادی شفاف‌تر شده است.

رواج مدرک از ابزارهای مهم ترویج علم به حساب می‌آید. در زمانی که با کمک و استخدام علم می‌توان زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشید، روی‌آوری به علم افزایش می‌یابد. البته این روی‌آوری زمانی تقویت می‌گردد که نهادهای آموزشی، افراد تحت پوشش و فارغ‌شده از تحصیل را با اعطای مدارک به جامعه معرفی کنند. مخصوصاً اگر در جامعه سیستم تقسیم کار رواج یافته باشد، نقش مدرک افزایش می‌یابد.

● رواج مدرک از ابزارهای مهم ترویج علم به حساب می‌آید. در زمانی که با کمک و استخدام علم می‌توان زندگی فردی و اجتماعی را بهبود بخشید، روی آوری به علم افزایش می‌یابد.

البته این روی آوری زمانی تقویت می‌گردد که نهادهای آموزشی، افراد تحت پوشش و فارغ شده از تحصیل را با اعطای مدارک به جامعه معرفی کنند. مخصوصاً اگر در جامعه سیستم تقسیم کار رواج یافته باشد، نقش مدارک افزایش می‌یابد.

تبیین جایگاه نیروی انسانی ماهر، جامعه را از چنین امکانات و سرمایه‌هایی محروم می‌سازد.

طرح یک مثال خالی از قایده نخواهد بود. داروخانه‌ای را در نظر بگیرید که داروها کدگذاری و تفکیک نشده است. هنگامی که بیماران مراجعه می‌کنند، اصحاب داروخانه در گام نخست نمی‌توانند بگویند که داروی مورد نیاز موجود است یا نه. برای ارائه جواب درست، ناگزیرند که تمام داروها را زیرورو کنند و اگر شرایط اضطراری باشد، این وضعیت پیامدهای زیان آوری خواهد داشت. در صورت وجود داروی مورد نیاز بیمار، تشخیص و پیدا کردن آن، زحمت و هزینه زیادی را به همراه دارد.

حال، اگر جای داروخانه را با مراکز آموزشی عوض کنیم و سرمایه‌های انسانی و دانش آیدوخته را بسان داروهای زاینده کاستیها و مشکلات جامعه تلقی کنیم، وضعیت این نیروها برای بهرمندی جامعه از توانایی‌های آنان، حیاتی خواهد بود. در آن دسته از مراکز آموزشی که از طریق صدور گواهی و مدرک، درجه علمی و توانایی و مهارت پایه بیان دیگر، تخصص افراد معرفی نمی‌شود، ارتباط میان جامعه و منابع انسانی و در واقع مهمترین عوامل توسعه و پیشرفت قطع می‌شود. در چنین مواردی، جامعه نمی‌داند که چه امکاناتی وجود دارد و با فرض وجود افراد متخصص، شناسایی و دستیابی به آنها دشوار خواهد بود. با قطع شدن ارتباط جامعه با فرزندان، علم بیشتر به سوی مباحث انتزاعی سیر می‌کند و در حالت بدتر، مرگ علم فرا می‌رسد.

بطور خلاصه، در روزگاری که سرعت، دقت و تخصص در همه جا دیده می‌شوند و مدارک آموزشی به عنوان ابزار شناسایی مهارت و تخصص شناخته می‌شود، عدم به‌کارگیری چنین شیوه و ابزاری تأثیرات خود را بر آموزش، افراد و جامعه به جا می‌گذارد.

به همراه دارد. ممکن است پس از سالها تلاش و دانش‌اندوزی، احساس بیهودگی علمی به فرد دست بدهد. این احساس که از تعریف نشدن موقعیت و جایگاه فرد دانش‌آندوخته ناشی می‌شود، به خانواده و در نهایت به جامعه منتقل می‌شود.

به عنوان یک نمونه برجسته‌ای از نظام آموزشی که در آن جایگاه علمی افراد تحت پوشش تعریف نشده است، می‌توان از حوزه‌های علمیه نام برد. بجز از برخی افراد که با تلاش و مجاهدت خود به موقعیت والای علمی در ساختار آموزشی (قدیم و جدید) دست یافته‌اند وضعیت اکثریت اصحاب حوزه نامشخص است. حتی آنهایی که در مشاغل علمی - آموزشی و در نظام آموزشی جدید به کار مشغولند، جایگاهشان یا توسل به معیارهای نظام آموزشی جدید تعریف می‌شود.

عدم تأثیرگذاری تحصیل دانش بر موقعیت و زندگی یک نسل، نسلهای دیگر را از روی آوری به آن، باز می‌دارد. امتناع یا عدم استقبال از رشته‌هایی یا نوع نظام آموزشی خاصی، زمانی تقویت می‌شود که مراکز و نظامهای آموزشی رقیب وجود داشته باشند. در چنین شرایطی لایه‌هایی به حوزه روی می‌آورند که امکانات و تسهیلات حوزه بتوانند نیازهای زندگی آنها را تأمین کنند. از آن جایی که درآمدهای ناشی از تحصیل در حوزه در مقایسه با سایر درآمدها بسیار پایین است، تنها لایه‌های زیرخط فقر یا همسطح با آن ممکن است استقبال نمایند. در عین حال از برخی ثروتمندان سنتی علاقمند به تحصیل در حوزه نباید غافل شد؛ هر چند تعداد آنها در مقایسه با اکثریت ممکن است ناچیز باشد.

علم بدون اثرگذاری بر زندگی، برای لایه‌های ثروتمند یا خودکفا همانند یک کالای لوکس جنبه تزئینی و پرستیژی دارد که در موقع لزوم به نمایش گذاشته می‌شود و اثرگذار می‌گردد اما برای لایه‌های پایین نقش ابزار سرخوردگی و ناپایداری را بازی می‌کند. و تلاش علم برای ساختن است. بنابراین، ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت دانش‌آندوختگان و تعریف جایگاه مناسب و مطلوب آنها نقطه آغاز رشد و تعمیق آموزش و اثرگذاری بر زندگی افراد و جامعه به حساب می‌آید.

۳. جامعه

جامعه مهمترین عرصه بروز و شکوفایی استعدادها، نیروها و سرمایه‌های انسانی به شمار می‌رود. در کنار تأمین زندگی فردی، سامان‌دهی نیازها و حل مشکلات جامعه از بهترین و مقدس‌ترین اهداف دانش‌آندوختگان شمرده می‌شود. روابط متقابل میان دانش‌آموختگان و جامعه برای استفاده از منابع انسانی در جهت شکوفاسازی ابعاد مختلف زندگی بسیار مهم است. این روابط تحت تأثیر عوامل مختلف شکل می‌گیرد که یکی از آنها تعریف جایگاه علمی فرزندان جامعه است. وجود هرگونه ابهام در مسأله و یا کوتاهی در